

اعطای تابعیت به فرزندان متولد از مادران ایرانی



خدیجه نظام محله

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی
khadijehnezammahalleh1398@gmail.com



بهاره زندیه

دانشجوی کارشناسی حقوق قضایی
zandiyehbahar@yahoo.com



احسان کریمزاده

کارشناس حقوق قضایی
K7108478@gmail.com

1

چکیده

تابعیت رابطه‌ای سیاسی و معنوی فرد با دولت است. دولتی که تعیین می‌کند که تبعه آن کشور چه کسانی هستند و اینکه تبعه او باید چه شرایطی داشته باشند. تابعیت اصلی به دو روش اصلی و اکتسابی است که هر فردی که بی تابعیت باشد دچار آسیب‌های اجتماعی فراوانی می‌شود. مطالعات نشان داده شده است که بخش بزرگی از فرزندان مادران ایرانی که با مرد غیرایرانی ازدواج کرده‌اند کودکان مرزنشینی هستند که از نظر امکانات زندگی تحصیلی و رفاهی در شرایط بدی به سر می‌برند. اعطای تابعیت به این‌گونه فرزندان قدمی بزرگ در کم‌شدن تبعیض حقوق زنان و مردان و همسانی میان شهروندی و رفع مشکلات قانونی آن‌ها بوده و نیاز جدی به اصلاح آن کاملاً قابل لمس هست؛ بنابراین تعیین راهکاری برای اعطای تابعیت و یا اعطای برخی امتیازات ضروری مثل داشتن شناسنامه ایرانی می‌تواند به حل مشکل کمک فراوانی کند. این مقاله سعی دارد پس از بررسی علل بی تابعیتی و مشکلاتی که به دنبال آن است، راهکارهایی را مطرح نماید.

واژگان کلیدی: تابعیت، ازدواج، مادر ایرانی، پدر خارجی، بی تابعیتی

مقدمه

یکی از حقوق اساسی هر فرد، تابعیت است که دولت‌ها مکلف به رعایت و حمایت از آن هستند، به نحوی که به طور مستقیم به این حق بشری اشاره شده است. بند ۱ از ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می‌کند «هر کس حق دارد دارای تابعیت باشد». برابر بند ۲ همین ماده «احدی را نمی‌توان خودسرانه از تابعیت خود یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد» در مقدمه کنوانسیون لاهه مصوب ۱۹۳۰ م. نیز آمده «به نفع عموم جامعه بین‌المللی است که هر فردی دارای تابعیت باشد» (بالا زاده، ۱۳۸۳: ۴۷).

منشأ پیدایش تابعیت، تعدد دولت‌ها است. به دنبال تحولاتی که در دولت‌ها و شرایط زندگی افراد در جوامع و برقراری ارتباط با جوامع دیگر افزایش مهاجرت‌ها به‌خصوص مهاجرت‌های غیرقانونی یکی از مباحثی و مشکلاتی است که با خود دنبال می‌کند. مانند عدم احراز تابعیت و هویت به فرزندان این‌چنین ازدواج‌هاست. اما در ایران، ایرانی بودن مادر نه تنها از نظر خون بلکه از نظر محل تولد هم تأثیری در تابعیت فرزند ندارد. طبق بند ۲ قانون مدنی ماده ۹۷۶ (کازمی فر، ۱۳۹۸، ۱۶۷) «کسانی پدر آن‌ها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارج متولد شده باشند» بر اطفالی صدق می‌کند که از مادر ایرانی و پدر خارجی متولد می‌شوند و مشکلات و معضلات آن‌ها زمانی است مشهود است که خانواده با مسائلی چون وفات، طلاق و یا مفقود شدن و یا رهاکردن زن و فرزندان مواجه می‌شود. قانون بر وضعیت حقوقی این‌گونه اطفال حکمی نداشته و اطفال بی‌تابعیت دچار مشکلاتی هستند که در این مقاله سعی بر این است که علاوه بر حفظ حقوق زنان ایرانی و فرزندان‌شان بر حفظ منافع آن‌ها نیز بپردازیم.

۱- مفهوم تابعیت

تعریف تابعیت

از آنجاکه در قانون برای تابعیت تعریف خاصی نشده است، لذا با توجه به اجزای آن تابعیت شناخته می‌شود.

اتباع

«اتباع» کسانی هستند که می‌توانند از تمام حقوق یک کشور بهره‌مند شوند و در مقابل قانون، با یکدیگر برابرند مگر در مواردی که وضعیت شخصی آن‌ها مانند صغر، سن، محکومیت یا اکتسابی بودن تابعیت آن‌ها محدودیتی در حقوقشان ایجاد کرده باشد، مانند موردی که زن خارجی بر اثر ازدواج با مرد ایرانی تابعیت ایران را کسب نموده است. در تعریف دیگری از اتباع آمده: «به مجموع افرادی گفته می‌شود که به‌عنوان اعضای یک ملت از نظام و قوانین آن تبعیت می‌کنند» (طباطبائی، ۱۳۸۹: ۳۰).

بیگانگان

بیگانگان، به لحاظ بیگانه بودن، حقوقشان نسبت به اتباع محدودتر بوده و حتی ممکن است از بعضی حقوق محروم باشند. از نظر حقوق بین‌الملل خصوصی، اشخاص دارنده حق، هر دو در گروه فوق هستند (بالا زاده، ۱۳۸۳: ۴۳) بین مفهوم کلمه تبعه و بیگانه از نظر حقوقی تفاوت‌هایی وجود دارد، اما از جهت رعایت قوانین و مقررات داخلی و تکالیف محوله، تفاوتی نیست و افراد یک کشور اعم از اتباع و بیگانگان باید مطیع قوانین آن کشور باشند.

دولت

دولت به گروهی از افراد انسانی اطلاق می‌شود که در سرزمین معینی سکونت داشته و تابع یک قدرت سیاسی عالی می‌باشند. تشکیل دولت مستلزم سه عامل جمعیت، سرزمین و قدرت عالی است (طباطبائی، ۱۳۸۶: ۲۴). با بررسی رابطه اتباع و دولت، مفهوم تابعیت روشن می‌گردد.

برخی از دانشمندان علم حقوق معتقدند: «تابعیت رابطه سیاسی و معنوی است که شخصی را به دولت معینی مرتبط می‌سازد» (نصیری، ۱۳۸۱: ج ۱ و ۲: ۲۶). این رابطه سیاسی است؛ زیرا ناشی از قدرت و حاکمیت دولتی است که فردی را از خودش می‌داند. همچنین این رابطه معنوی است؛ چون مربوط به مکانی نیست که شخص در آنجا سکونت دارد (ر. ک. همان).

- در تعریف دیگر آمده: «از لحاظ حقوقی بین دولت و اتباع آن، یک رابطه محکمی به نام تابعیت وجود دارد که اقامت در خارج از کشور نمی‌تواند موجب قطع شدن آن شود. تابعیت متضمن یک سلسله حقوق و تکالیفی برای دارنده آن هست که فرد تبعه همان گونه که از امتیازات مدنی و سیاسی شهروندی کشور متبوع خود بهره‌مند است باید الزامات آن را نیز پذیرا باشد»

(طباطبائی، ۱۳۸۶: 30) - در تعریف «باتیفول»، تابعیت به‌عنوان یک رابطه حقوقی توصیف شده است نه یک رابطه سیاسی و معنوی. طبق این تعریف «تابعیت، تعلق شخص به جمعیت تشکیل‌دهنده دولت» هست. این تعریف افزون بر دارندگان تابعیت اصلی، شامل دارندگان تابعیت اکتسابی نیز می‌گردد و این نکته را هم خاطر نشان می‌سازد که شرط تابعیت وجود جمعیتی است که تشکیل آن به تشکیل دولت منجر می‌شود. لفظ تعلق در این تعریف به معنای آن است که دارنده تابعیت مطیع صلاحیت‌های دولت متبوع خود، در برابر دولت‌های دیگر هست (سلجوقی، ۱۳۸۵: ۵۹)

- در تعریف دیگر آمده: «تابعیت یک رابطه سیاسی، حقوقی و معنوی است که شخص را به کشور معینی مرتبط می‌سازد» (بالا زاده، ۱۳۸۳: ۳۹). با مقایسه تعاریف ارائه‌شده وجود عنصر سیاسی در تابعیت فرد محرز است، زیرا موضوع تابعیت از اختیارات حاکمیت است و عهده‌دار آن دولت هست. دولت‌ها تابعیت را به اشخاص اعطاء و تحت شرایطی از دیگران سلب می‌نماید. طبق ماده ۱ کنوانسیون لاهه: هر دولتی این صلاحیت را دارد که بر اساس قوانین خود تعیین کند چه کسانی از اتباع او محسوب می‌شوند. در اینکه تا چه حد می‌توان رابطه ایجاد شده بین فرد و دولت را یک رابطه، معنوی دانست تردید وجود دارد چراکه روابط معنوی دارای خصلت دوسویه هستند، یعنی برقراری و قطع آن با توافق و تمایل دو طرف صورت می‌گیرد، درحالی‌که به‌عنوان مثال، طفلی که از پدر ایرانی در خارج به دنیا آمده و در طول مدت زندگی خود حتی یک‌بار به ایران سفر نکرده است و نهایتاً در خارج وفات می‌کند، چگونه می‌توان رابطه بین او با دولت متبوعش را یک رابطه معنوی دانست. درحالی‌که به جهت وجود رابطه سیاسی، آن طفل، از زمان ولادت تا حین وفات ایرانی محسوب شده و حقوق و تکالیف مقرر برای هر ایرانی نسبت به وی مجری خواهد بود.

در این تعاریف به آثار ایجاد شده از رابطه سیاسی فرد و دولت، توجه کمتری شده است.

این آثار دارای وصف حقوقی هستند؛ به‌عبارت‌دیگر حقوقی بودن رابطه تابعیت اثر وصف سیاسی این رابطه است. برقراری رابطه سیاسی تابعیت آثار حقوقی دوجانبه بین فرد و دولت برقرار می‌گردد. اگر فرد تکلیف خدمت نظام‌وظیفه و پرداخت مالیات به دولت پیدا می‌کند، در عوض دولت نیز در موارد ضروری بایستی تبعه خود را مورد حمایت سیاسی قرار دهد؛ درواقع یک تعهد حقوقی ضمنی ایجاد شده است که دولت در قبال تبعه خود به عهده دارد. طبق بند الف ماده ۲ کنوانسیون اروپایی تابعیت مصوب ۱۹۹۷م: تابعیت به معنای رابطه حقوقی میان شخصی و دولت هست.

با بررسی نکات فوق می‌توان تعریف جدیدی از تابعیت ارائه نمود: تابعیت عبارت است از رابطه سیاسی شخص با دولت معینی که واجد آثار حقوقی بوده و تعلق فرد به جامعه مشخصی را نشان دهد. با این تعریف وضعیت بیگانگان از اتباع متمایز گردیده و کلیه افرادی که دارای رابطه سیاسی با دولت می‌باشند، اعم از اینکه ساکن آن کشور باشند یا خارج، تبعه محسوب شده و دارای حقوق و تکالیفی نسبت به دولت متبوع خود می‌گردند. وضعیت اقلیت‌های یک کشور همسان با سایر اتباع بوده و تفاوتی از این حیث بین آنان وجود ندارد.

انواع تابعیت

حقوق بین‌الملل خصوصی دارای مبانی و اصولی است. طبق اصل اول: «هر فردی بایستی تابعیتی داشته باشد» (نصیری، ۱۳۸۱: ج ۱ و ۲: ۲۸). در اصل ۴۱ ق.ا. «تابعیت ایران حق مسلم هر فرد ایرانی شناخته شده است». اصل دوم: «هیچ فردی نباید بیش از یک تابعیت داشته باشد» (همان). این موضوع نیز در اسناد گوناگون داخلی و بین‌المللی، مورد توجه قرار گرفته است. طبق بند ب ماده ۴ کنوانسیون اروپایی تابعیت: «باید از بی تابعیتی اجتناب کرد». با این تعریف «آپاترید» از اصل اول تابعیت که به‌موجب آن هر فرد بایستی تابعیتی داشته باشد، دورافتاده است. همچنین کسانی که به هر دلیل شخصی که تابعیت هیچ دولتی را ندارد.

دارای دو یا چند تابعیت می‌باشند، وضعیتی برخلاف اصل تابعیت واحده پیدا کرده‌اند. اصل سوم بر این پایه استوار است: «تابعیت یک امر همیشگی و زوال‌ناپذیر نیست و قابل تغییر هست» (همان).

از اصل اول دو قاعده به دست می‌آید. قاعده اول؛ هر فردی به محض تولد باید تبعه دولت معینی باشد (همان، ۳۰)، قاعده دوم؛ هیچ‌کس نمی‌تواند تابعیت خود را از دست بدهد، بدون اینکه تابعیت دولت دیگری را تحصیل کرده باشد (همان، ۳۷). در نظام‌های مختلف حقوقی جهان، تابعیت اشخاص یا به سبب تولد و به مجرد آن است یا پس از تولد و بدون ارتباط به تولد حاصل می‌گردد. تابعیتی که به سبب تولد و به مجرد آن به دست می‌آید «تابعیت اصلی» و تابعیتی که پس از تولد و بدون ارتباط به آن حاصل می‌شود «تابعیت اکتسابی» نامیده می‌شود.

تابعیت اصلی

تابعیت اصلی از طریق «سیستم خون» و «سیستم خاک» تحصیل می‌شود. برخی از دولت‌ها با بهره‌گیری از هر دو سیستم به تعیین اتباع خود می‌پردازند.

- اصل خون: مطابق این اصل تابعیت از راه نسب بدون توجه به محل تولد زهرا تابعیت پدر بر فرزند تحمیل و به همین منظور علمای حقوق آن را تابعیت نسبی هم می‌گویند.

- اصل خاک: طبق این اصل تابعیت هر شخص تابعیت محل تولد اوست. (تابعیت ارضی یا تابعیت اصلی ارضی) یعنی هر فردی تابعیت کشوری را دارد که در آن به دنیا آمده، هر چند پدر و مادرش تابعیت آن کشور را نداشته باشند. در بهره‌گیری از سیستم خاک چون هر فردی الزاماً در محلی متولد می‌شود و آن محل نیز جزو قلمرو کشوری محسوب می‌گردد، بنابراین چنانچه همه کشورها این سیستم را بپذیرند، هیچ فردی بدون تابعیت باقی نمی‌ماند. تولد در کشتی با هواپیمای در حال حرکت در دریای آزاد نیز از قاعده دولت صاحب پرچم تبعیت می‌نماید

محققین معتقدند: سیستم خون و خاک را نمی‌توان در مقابل یکدیگر قرارداد، بلکه باید یکی را مکمل دیگری دانست؛ زیرا هریک از این دو روش مزایا و معایبی دارد و هر کشوری برابر اوضاع و احوال جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی خود مقرراتی را در رابطه با تابعیت وضع می‌کند که انتخاب نوع سیستم، به عهده کشورهاست (بالا زاده، ۱۳۸۳: ۹۹).

تابعیت اکتسابی

در کنار این نوع تابعیت‌ها، تابعیتی هم وجود دارد که از طریق پذیرش یا ازدواج حاصل می‌شود. نمونه دیگر تابعیت، تابعیت اکتسابی است که با ازدواج زن با مرد خارجی و یا تغییر تابعیت همسر و فرزندان مردی که اقدام به تغییر تابعیت کرده‌اند که بیشتر به خاطر عدم اراده فرد در این تغییر جنبه تحمیلی دارد. (سلجوقی، ۱۳۹۷: ۲۵۵).

بنابراین بعد از ازدواج اتباع دو کشور باید تابعیت یکی از زوجین بر دیگری تحمیل شود؛ به دلیل آنکه در بسیاری از جوامع ریاست خانواده با مرد است لذا تبعیت مرد به زن منتقل می‌شود.

تابعیت اکتسابی مربوط به قاعده دوم از اصل اول تابعیت است که هیچ‌کس نمی‌تواند تابعیت خود را از دست بدهد. این تابعیت از چند راه تحصیل می‌شود. الف) ازدواج؛ ازدواج زن خارجی با مردی از اتباع یک کشور؛ ب) تحصیل تابعیت توسط بیگانگان؛ ج) تغییر تابعیت؛ یعنی فردی تابعیت خود را تغییر می‌دهد و بر اثر آن تغییر، تابعیت جدید برای همسر و فرزندان خود تحصیل نماید.

تحصیل این تابعیت گرچه در نوشته‌های بعضی از حقوق‌دانان در ردیف آثار تابعیت‌های اکتسابی قرار گرفته است؛ لکن چون نوعی تحصیل تابعیت هر چند به صورت غیرارادی و تحمیلی هست، می‌توان آن را «تابعیت تحمیلی» یا «تحمیل تابعیت» نام‌گذاری نمود.

بنابراین انواع تابعیت را می‌توان به دودسته تقسیم نمود. اول «تابعیت اصلی» که گاهی ناشی از سیستم خون هست و به آن تابعیت نسبی اطلاق می‌شود (نصیری، ۱۳۸۱: ج ۱ و ۲، ۳۰). این تابعیت را نیز می‌توان به «تابعیت اصلی نسبی» نامید و گاهی ناشی از سیستم خاک هست که آن را «تابعیت ارضی» نیز نامیده‌اند (همان، ۳۳). این تابعیت را نیز می‌توان «تابعیت اصلی ارضی» نامید. دوم «تابعیت اکتسابی» که از راه ازدواج، تغییر تابعیت و تحصیل تابعیت به دست می‌آید. بنابراین سه اصل مهم در مورد تابعیت مورد تأیید علمای حقوق می‌باشد.

۱- هر فردی بایستی تابعیتی داشته باشد.

۲- هیچ فردی نباید بیش از یک تابعیت داشته باشد.

۳- تابعیت یک امر همیشگی زوال‌ناپذیر است.

۲- قوانین حاکم در ایران در اعطای تابعیت

موارد به‌دست‌آوردن تابعیت ایرانی

۱- از راه به‌کاربردن نظام خون یا نظام خاک که مربوط به ولادت است.

۲- از راه ازدواج

۳- از راه پذیرش تابعیت دولت ایران

راه‌های به‌دست‌آوردن تابعیت دولت ایران در قانون مدنی ماده ۹۷۶ (منصور، ۱۳۹۸، ۱۵۵) به شرح زیر است:

۱- کلیه ساکنین ایران به‌جز اشخاصی که خارجی آن‌ها مسلم باشد.

۲- کسانی که پدر آن‌ها ایرانی باشد اعم از اینکه در خارج یا داخل ایران متولد شده باشد.

۳- اشخاصی که در ایران متولد و پدر و مادر آن‌ها نامعلوم باشد.

۴- کسانی که از پدر و مادر خارجی در ایران متولد شده باشند.

۵- زن خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند.

۶- هر تبعه خارجی که تابعیت ایرانی تحصیل کند.

۷- کسی که از پدر خارجی بعد از سن ۱۸ سال تمام یک سال در ایران اقامت داشته باشد

ماده ۹۷۶ قانون مدنی در ۲ بند آماده است که: «کسانی که پدر آن‌ها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا خارج متولد شده باشند» در این ماده صرف‌نظر از اینکه در کجا به دنیا آمده باشند صرف داشتن پدر ایرانی، ایرانی محسوب می‌شوند. بدون توجه به نقش مادر!

در این بند به طور دقیق سیستم خون اعمال شده است و در هیچ‌کدام از بندهای دیگر و مواد دیگر مطلبی در مورد نقش و سهم مادر در تابعیت فرزند دیده نمی‌شود؛ بنابراین به این نتیجه می‌رسیم که سیستم و روش خون به روش مطلق و فقط از پدر اعمال می‌شود.

۳- ازدواج زن ایرانی با فرد خارجی

یکی از عوامل تغییر تابعیت اشخاص نسبت به خود و فرزندان ازدواج می‌باشد. ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی در مواد قانونی ۹۸۷، ۹۸۰، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰ ذکر شده آمده است.

همان‌طور که می‌دانیم در بند ۱ ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر (اعلامیه جهانی حقوق بشر میلادی ۱۹۴۸ دسامبر ۱۰ مصوب شمسی ۱۳۲۷) اعلام شده است «هرکس حق دارد دارای تابعیت باشد» و برابر بند ۲ همین ماده «حدی را نمی‌توان از

حق تابعیت محروم کرد». البته در ماده ۹۸۷ قانون مدنی (کاظمی فر، ۱۳۹۸، ۱۷۳) تحمیل تابعیت و سلب تابعیت را به رسمیت شناخته.

پس باتوجه به این ماده می‌توان گفت قانون‌گذار ۳ حالت برای تابعیت زن ایرانی در ازدواج با مرد خارجی در نظر گرفته است (سلجوقی، ۱۳۹۷: ۲۴۷).

اول قانون‌گذار به محض این نوع ازدواج تابعیت ایرانی را از زن نمی‌گیرد.

دوم هرگاه در اثر ازدواج، تابعیت مرد برزن تحمیل شود، برای جلوگیری از تابعیت مضاعف، تابعیت ایرانی او سلب می‌شود. سوم اگر زن در اثر ازدواج در انتخاب تابعیت خود دارای اختیار بود، در این صورت زن می‌تواند از این اختیار استفاده کند و تقاضای تحصیل تابعیت شوهر را بکند و از طرفی دیگر می‌تواند از وزارتخانه بخواهد که از تابعیت ایران خارج شود که وزارتخانه می‌تواند با بررسی جهات آن با این پیشنهاد موافقت کند. اگر زن از کشور متبوع همسر خود تقاضای تابعیت کند و از تابعیت ایرانی خود خارج نشود دارای تابعیت مضاعف می‌شود و همچنین می‌تواند برعکس آن هم اتفاق بیافتد؛ بنابراین وضعیت تابعیت زن ایرانی با مرد بیگانه بستگی به قوانین کشور متبوع شوهر دارد که وزارت خارجه برای شناسایی این‌گونه کشورها لیستی تهیه کرده به‌عنوان «تحمیلی» و کشورهایی که به زن اختیار انتخاب می‌دهد به‌عنوان «اختیاری» که با مراجعه به این دو لیست مشخص می‌گردد قانون کشور متبوع زن اختیاری است یا تحمیلی.

6

دادن شناسنامه به فرزندان متولدشده از مادر ایرانی

موضوع اعطای تابعیت و دادن شناسنامه به فرزندان متولدشده از مادر ایرانی سالیان سال است که مورد بحث و چالش بوده است و به‌کرات سؤال شده است که علت این نابرابری در انتقال تابعیت چیست؟

نظریه مشورتی وزارت دادگستری تا قبل سال ۱۳۵۳ فرزند متولد از مادر ایرانی نیز ایرانی محسوب می‌شده است. این نظریه از نظر عقلی منطقی محسوب می‌شود اما از لحاظ قانونی پا را فراتر گذاشته. در این نظریه شروط بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ذکر شده است. (تولد فرزند و مادر در ایران) البته تابعیت مادر ایرانی باشد. بعد از انقلاب به شرط متولد شدن فرزند در ایران بعلاوه متولد شدن فرزند در ایران اما متأسفانه این طرح در سال‌های اخیر از سوی نمایندگان مجلس رد شد. اما سؤال مطرح می‌شود که آیا نمایندگان موارد مربوط به ماده ۹۷۶ قانون مدنی را مطالعه کرده‌اند؟ به نظر می‌آید اگر بند ۴ این ماده با دقت مطالعه می‌شده این طرح هیچ‌گاه رد نمی‌شد. البته دلیل رد این طرح را می‌توان ورود بی‌رویه غیرقانونی افغان‌ها و به تبع آن ازدواج با دختران ایرانی و فرزندان حاصل از این ازدواج است. به نظر می‌رسد در قانون اساسی کشورمان مشکل اساسی میان ازدواج ایرانیان با اتباع افغان است. چراکه افغان‌های واردشده در ایران فاقد مدارک قانونی بودند و برای اخذ پروانه زناشویی فاقد مدارک معتبر هستند و به‌خاطر همین نقص به وزارت خارجه مراجعه نمی‌کردند؛ بنابراین این نمی‌توان گفت که این ازدواج قانونی محسوب نمی‌شده به‌خاطر اینکه زوجین مجوزهای لازم برای ازدواج را کسب نکرده‌اند و یا بگوییم چون با مرد بیگانه ازدواج کرده قانون آن کشور بر زن تحمیل و از تابعیت ایرانی خود خارج شده، البته این‌گونه ازدواج‌ها در خانواده‌هایی رخ می‌دهد که از نظر سواد و دانش در سطح پایین‌تری قرار دارند و یا در دهات و یا شهرهایی هستند که تعداد فرزندان زیاد بوده؛ بنابراین باتوجه به بند ۴ ماده ۹۷۶ شامل حال این‌گونه فرزندان می‌شده که البته مادر هم باید در ایران متولدشده باشد. در این خصوص در رسانه‌های اجتماعی باید در خصوص این‌گونه ازدواج‌ها هشدار کافی داده شده است و از سوپی جلوی ورود بی‌رویه اتباع خارجی به‌عنوان پناهنده گرفته شود.

تصمیم نهایی

و اما آخرین خبر در خصوص مطرح شدن تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج مردان بیگانه با زنان ایرانی که در جلسه علنی مجلس جزئیات آن به تصویب رسیده در صورت ۱۸ سال تمام بدون رعایت شرط سکونت مندرج در ماده ۹۷۹ قانون مدنی (کازمی فر، ۱۳۹۸، ۱۶۹) به تبعیت ایران برخوانند آمد. البته بدون داشتن سوءپیشینه کیفری و امنیتی و اعلام رد تابعیت غیرایرانی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شود.

صدور پروانه ازدواج و احراز ولادت کودک

وزارت کشور نسبت به احراز تولد طفل در ایران و صادر کردن پروانه ازدواج اقدام نیروی انتظامی برای پدر پروانه اقامت صادر می‌کند. فرزندان موردنظر این ماده قبل از گرفتن تابعیت مجاز اقامت در ایران هستند. البته اگر سن آن‌ها کمتر از ۱۸ سال باشد باید ظرف مدت یک سال تقاضای تابعیت ایرانی کنند.

از زمان تصویب ماده مذکور کسانی که از ازدواج زن ایرانی با مرد بیگانه صاحب فرزند شده باشند و طبق ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی (کازمی فر، ۱۳۹۸، ۱۹۱) تولد طفل ثبت و بعد از رسیدن به سن ۱۸ سالگی، بدون در نظر گرفتن شرط سکونت به تابعیت ایران می‌رسد.

نقدی که بر این مسئله وجود دارد این است که گویا کودکان خارجی می‌خواهند تابعیت را به دست آورند، نه کودکی که در ایران متولد شده باشد. چراکه با اشاره به شرط ماده ۹۷۹ قانون مدنی داشتن ۱۸ سال تمام و نداشتن سوءپیشینه را لازم دانسته مسلم است که در این اشخاص صدق نمی‌کند فقط اجازه اقامت تا ۱۸ سال سن به آن‌ها داده شده است.

درست است که گفته شده بدون رعایت شرط سکونت، اما نسبت به کسانی که نه مادر ایرانی بوده و نه در ایران متولد شده‌اند اقامت ۱۸ ساله از آن‌ها می‌خواهد، اما از بیگانگان بر پایه ماده ۹۷۹ برای تابعیت ایران فقط ۵ سال سابقه اقامت می‌خواهد که با در نظر گرفتن ماده ۹۸۰ می‌توانند از این شرط هم معاف باشند در صورتی که زن ایرانی و کودک متولد شده در ایران داشته باشد. به معنای دیگر طفلی که از مادر خارجی است را ایرانی می‌دانیم اما طفلی که از مادر ایرانی در ایران متولد شده را ایرانی نمی‌دانیم!

به عبارتی با جستجوی مواد علت این نابرابری تابعیت میان زن و مرد روشن نیست.

بنابراین قانون‌گذار افرادی که تبعه کشوری دیگر هستند مجاز به اقامت در ایران دانسته، اما اقامت بدون تابعیت با حداقل امتیاز

چه سودی برای شخص مقیم دارد؟

همچنین درباره تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج‌های غیرقانونی تعیین تکلیف نکرده و قواعد حقوقی از این جهت قابل انتقاد است.

۴- محرومیت‌ها و معضلات کودکان بی‌تابعیت

کودکان بی‌تابعیت از اساسی‌ترین حقوق شهروندی فرد بی‌بهره می‌مانند. ملیت آن‌ها نامعلوم است و به دلیل نداشتن شناسنامه از داشتن تحصیل و اشتغال در سن ۱۵ سال به بعد، حق داشتن تأمین اجتماعی ارث و مالکیت محروم می‌مانند. طبق تحقیقات به عمل آمده تعداد بسیاری از آن‌ها بیکار یا در رده‌های پایین شغلی مشغول به کار هستند و مهم‌ترین مانع شغلی آن‌ها نداشتن مدارک هویتی معتبر است. البته به نظر می‌رسد با گذشتن سن ۱۸ سال تمام هم مشکلات آنان همچنان باقی است چراکه بهترین دوره سنی خود برای تعلیم و تربیت را از دست می‌دهند و هیچ‌گونه تدبیری برای آن‌ها پیش‌بینی نشده است. این کودکان پنهانده نیستند که حتی در سازمان ملل مورد حمایت قرار بگیرند.

انواع پیامدهای بی‌تابیتی

پیامد اجتماعی

حضور مهاجران در کشور ما فرصتی برای انتقال فرهنگ به کشورهای دیگر است و این‌گونه فرزندان پس از بازگشت به کشور خودشان می‌توانند این آموخته‌ها را انتقال دهند.

از دیگر پیامدهای اجتماعی کودکان بی‌تابیت می‌توان به بی‌سرپرست بودن این کودکان به‌خاطر ترک پدر و بازگشت به وطن و قرارگرفتن در معرض آسیب‌های اجتماعی و استفاده ابزاری از کودکان بی‌سرپرست اشاره کرد.

پیامد امنیتی

مهاجرت اتباع بیگانه و ازدواج با بانوان ایرانی دارای پیامدهای منفی است که می‌تواند تهدیدکننده سلامت اجتماعی و امنیت ملی بوده و به دلیل فقر مالی مهاجران پس از ازدواج در آن کشور استقرار پیدا می‌کند و باعث حاشیه‌نشینی و هنجارهای روانی شده.

پیامد فرهنگی

هویت ملی احساس تعلق و تعهد نسبت به جامعه به فرد دارد.

بعد اجتماعی: در این بعد زنان و فرزندان آن‌ها با جدایی از هویت اجتماعی قبلی و ارتباط نداشتن با هویت اجتماعی جدید دچار سردرگمی می‌شوند.

بعد تاریخی: دوری از سرزمین و مهاجرت به سرزمین دیگر باعث فراموشی تاریخی نسبت به سرزمین فرد می‌شود.

بعد سیاسی: ترک سرزمین و هماهنگی با نظام سیاسی کشور جدید مشکلاتی را برای فرد به وجود می‌آورد و فردی که خود را بیگانه با بعد سیاسی آن کشور بداند در قبول مبانی ارزشی آن‌ها مشکل خواهد داشت.

بعد دینی: دوری افراد از کشور موجب تغییر ارزش‌های دینی و کاهش قدرت دینی شخص و بیگانگی فرد است.

اصل وحدت تابعیت در کنوانسیون اروپایی رفع هرگونه تبعیض علیه زنان

کنوانسیون رفع تبعیض، تابعیت را یکی از حقوق زنان دانسته و در این مورد به زنان حقوق مساوی با مردان اعطا کرده و مقرر می‌دارد که ازدواج با فرد خارجی اصولاً تغییر تابعیت شوهر نباید تغییری بر تابعیت زن داشته باشد و لذا دولت‌ها درصد تضمین جلوگیری بی‌وطن یا تحمیل تابعیت شوهر به زن می‌باشند؛ بنابراین کنوانسیون از نظریه «استقلال تابعیت» پیروی و تحمیل اجباری تابعیت شوهر را نفی کرده است.

بررسی اصل تابعیت در حقوق بریتانیا

در قانون بریتانیا در فرض ازدواج زن بریتانیایی با مرد تبعه خارج، سیستم استقلال کامل تابعیت زن و شوهر جاری است و ازدواج تأثیری در تابعیت آن‌ها نمی‌گذارد. به‌طور کلی در قانون بریتانیا چه در تحصیل تابعیت و چه در ترک آن استقلال تابعیت زوجین را در روابط خانوادگی پذیرفته است و بنابراین اگر مرد یا زن بریتانیایی اقدام به ترک یا تحصیل تابعیت کنند در تابعیت همسر و فرزندانش تغییری ایجاد نمی‌شود، مگر به اختیار و تقاضای زوجین.

بحث و نتیجه‌گیری

تجدیدنظر در مواد ذکرشده امری قطعی و مسلم است. همین‌طور که می‌بینیم ازدواج زنان ایرانی با بیگانگان برای فرزندانشان با مشکلات بسیاری مواجه شده است. با توجه به مشکلات مربوط به تابعیت فرزندان مادران ایرانی که با تبعه بیگانه ازدواج کرده‌اند پیشنهادهایی به شرح ذیل ماده ۹۷۶ قانون مدنی مطرح می‌شود:

آن‌هایی که در ایران متولد شده‌اند و مادر ایرانی دارند و یا کسانی که از مادر ایرانی در کشور دیگری متولد شده‌اند بدون در نظر گرفتن محدودیت سنی با درخواست مادر، طفل به تابعیت ایران پذیرفته شود. هر طفل متولد از مادر ایرانی که در خارج از کشور به دنیا آمده است می‌تواند تا یک سال بعد از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام درخواست تابعیت ایران را نماید. در صورت جدایی و یا مرگ یکی از زوجین اگر مادر تابعیت ایرانی خود را از دست نداده باشد با درخواست مادر و دستور مقامات قضایی طفل به تابعیت ایران پذیرفته شود، بدون در نظر گرفتن اینکه طفل در خارج یا داخل ایران باشد. قانون‌گذار با تغییراتی در ماده ۹۸۷ قانون مدنی (کاظمی فر، ۱۳۹۸، ۱۷۳) سیستم استقلال تابعیت را به طور کامل مورد قبول قرار دهد. بنابراین در صورت تحمیل تابعیت شوهر بر زن، او همچنان ایرانی بماند، مگر خودش تمایل به تغییر تابعیت داشته باشد. دسترسی به آمار واقعی کودکان بی تابعیت از ازدواج زن ایرانی با مرد بیگانه و اقداماتی در جهت رفاه آن‌ها.

منابع

- ✓ کاظمی فر مسعود، کتاب قانون مدنی، سروش‌مان، ۱۳۹۸.
- ✓ کتاب تابعیت در حقوق ایران پدیدآورنده‌ها: حیدری مسعود ۱۳۹۸
- ✓ مقاله پژوهشی فصلنامه حقوق کودک سال اول شماره اول بهار ۱۳۹۸
- ✓ فصلنامه علمی - تخصصی اندیشمندان حقوق سال پنجم شماره ۱۲، بهار ۱۳۹۶ صبا مریدی دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی
- ✓ طباطبائی، منوچهر: «حقوق اساسی»، تهران، نشر میزان، ج نهم، ۱۳۸۶
- ✓ کتاب تعیین وضعیت حقوقی فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی سید حسن وحدتی بشیری و زهره افشار قوچانی
- ✓ سلجوقی، محمود: «بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی»، تهران، نشر میزان، ج چهارم، ۱۳۸۵
- ✓ نصیری، محمد: «حقوق بین‌الملل خصوصی»، تهران، انتشارات آگاه، ج نهم، ۱۳۸۱
- ✓ بالا زاده، زهره: «حقوق بین‌الملل خصوصی و مقررات ایران در زمینه تابعیت، اقامتگاه و وضعیت بیگانگان»، تهران، نشر مردم‌سالاری، ج اول، ۱۳۸۳ سلجوقی، محمود حقوق بین‌الملل خصوصی تهران، نشر میزان، ج ۲، نهم، ۱۳۹۷